

تبلیغ و ترویج

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره دوم

بهار و تابستان ۱۴۰۲

سیره اهل بیت علیهم السلام در ایجاد وحدت میان مسلمین

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوثری*

مقدمه

وحدت یک واجب قرآنی است که در قرآن با لفظ امر به آن دعوت شده است و از تفرقه با لفظ امر نهی شده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱. مقصود از وحدت، وحدت امت اسلام است که خداوند می فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون»^۲ همانا این امت شما امت واحد است ...». پس اساس وحدت را قرآن نهاده است. قرآن کریم بارها مسلمانان را در جایگاه «یک امت» مخاطب قرار داده است؛ مانند «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»^۳ و «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»^۴.

اهل بیت پیامبر علیهم السلام در جایگاه یکی از ثقلین، بزرگ‌ترین الگوهای همه مسلمانان هستند و محبت آنان ویژه شیعیان نیست، بلکه محبت آنها بر همه فرض شده است؛^۵ همانگونه که رهبر معظم انقلاب می فرماید: «هیچ کس نباید خیال کند که اهل بیت پیغمبر مخصوص و متعلق به شیعه اند؛ نه، مال همه دنیای اسلامند. چه کسی است که فاطمه زهرا علیها السلام را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که حسنین علیهم السلام سیدا شباب اهل الجنة را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که ائمه بزرگوار شیعه را قبول نداشته باشد؟ حالا یکی او را امام و واجب الطاعه و مفروض الطاعه می داند، یکی نمی داند؛ اما قبول شان دارند. اینها حقایقی است، باید اینها را فهمید، باید اینها را

* مدیر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

۱. آل عمران: ۱۰۳.

۲. انبیا: ۹۲.

۳. آل عمران: ۱۱۰.

۴. بقره: ۱۴۳.

۵. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳).

نهادینه کرد).^۱

با مطالعه سیره امامان روشن می‌شود آنان با توجه به موقعیت‌ها و شرایطی که فراروی آنان بوده است، وضعیت اجتماعی را همواره رصد می‌کردند و برای ایجاد وحدت بین مسلمانان، از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند و بر برادری و وحدت امت اسلامی تأکید می‌کردند. در این نوشتار به بررسی مسئله وحدت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام خواهیم پرداخت.

شیعه واقعی کیست؟

شیعه واقعی کسی است که به تمامی دستورات اهل بیت علیهم‌السلام عمل می‌کند و اینگونه نیست که «نؤمن به بعض و نکفر به بعض» باشد و در زمینه وحدت هم وقتی با سیره اهل بیت علیهم‌السلام آشنا شود، به یقین بدان پایبند خواهد بود.

اهل بیت علیهم‌السلام برای شیعیان نشانه‌هایی بیان کرده‌اند؛ از جمله امام صادق علیه‌السلام در حدیثی یکی از نشانه‌های شیعه خودشان را حفظ اسرار مذهبی برشمردند و فرمودند:

قَالَ امْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ: عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا وَعِنْدَ اسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ عَدُوَّتِنَا وَإِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَأَسَاتُهُمْ لِأَحْوَانِهِمْ فِيهَا؛^۲

شیعیان ما را در سه چیز آزمایش کنید: در اوقات نماز که تا چه اندازه مراقبت آنها را دارند و در اسرار مذهبی که چگونه آنها را از دشمنان ما حفظ می‌کنند و در ثروت‌شان که با برادران دینی خود تا چه مقدار کمک و همراهی می‌کنند.

امام صادق علیه‌السلام در حدیث دیگری نشانه شیعه را پیروی در زبان و قلب و آثار و اعمال از اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند:

لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَخَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَآثَارِنَا وَلَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ وَاقَفَنَا بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَاتَّبَعَ آثَارِنَا وَعَمِلَ بِأَعْمَالِنَا أَوْلَيْكَ شِيعَتُنَا؛^۳ از شیعیان ما نیستند آن کسانی که با زبان خود اظهار دوستی می‌کنند؛ ولی در عمل با ما و آثار و کردار ما مخالفت می‌نمایند؛ شیعیان ما کسانی هستند که با زبان و دل با ما می‌باشند و از آثار ما پیروی می‌کنند و مانند ما کار می‌نمایند؛ آنها شیعیان ما می‌باشند.

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6772>

۲. محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۱۰۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۴، باب ۱۹.

بهترین شیوه معاشرت با اهل سنت

وظیفه شرعی شیعیان در تعامل با اهل سنت چیست؟ چگونه باید با آنان برخورد نمود؟ آیا اجازه داریم به عقاید یا مقدسات آنان اهانت کنیم؟ آیا راه دیگری وجود دارد که اهل بیت علیهم السلام برای شیعیان تبیین کرده‌اند؟ همواره بین شیعیان و اهل سنت افراد تدرویی بر آتش درگیری مذهبی دمیده‌اند؛ در نقطه مقابل، شیعیان و اهل سنت معتقد به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نیز در طول تاریخ کم نبوده‌اند. به همین دلیل هم معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: چگونه شایسته است برای ما که با قوم خود [یعنی شیعیان] و مردمانی که با ما ارتباط دارند و شیعه نیستند، رفتار کنیم؟ امام صادق علیه السلام فرمودند:

تَنْظُرُونَ إِلَىٰ أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَضَعُونَ مَا يَصْنَعُونَ؛ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَيَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَيَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ؛^۱ نگاه کنید به پیشوایان خودتان و از آنها پیروی کنید و هر طور آنها رفتار می‌کنند، شما نیز همان‌طور رفتار کنید؛ به خدا سوگند آنها به عیادت بیمارانشان می‌روند و بر سر جنازه‌هاشان حاضر می‌گردند و به سود و زیان آنها گواهی می‌دهند و امانت‌های آنها را به آنها رد می‌کنند.

پرسش معاویه بن وهب دو بخش دارد: ۱. شیوه رفتار شیعیان با یکدیگر؛ ۲. شیوه رفتار و تعامل آنان با اهل سنت. اما امام در پاسخ تفکیک نکرده‌اند و به هر دو پرسش یک پاسخ داده‌اند؛ یعنی در برابر شیعیان و اهل سنت، هر دو باید این رفتار اجتماعی را داشته باشید. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که همسایه، دوست، همکلاسی، همکار و حتی بعضی فامیل دور و نزدیک شیعه نیستند؛ باید چگونه برخورد کرد؟

امام در روایت فوق می‌فرماید: «قَالَ: تَنْظُرُونَ إِلَىٰ أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ...؛ نگاه کنید به امامانی که از آنها پیروی می‌کنید»؛ سپس «فَتَضَعُونَ مَا يَصْنَعُونَ؛ هر کاری که آنها انجام می‌دهند، شما هم همان کار را انجام دهید». بعد امام صادق علیه السلام قسم می‌خورند تا تأکید کنند و شک شیعیان هم برطرف شود: «فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ؛ به خدا قسم اهل بیت علیهم السلام از مریضان سایر مذاهب عیادت می‌کنند»؛ «وَيَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ؛ در تشییع جنازه‌های آنها حاضر می‌شوند»؛ «وَيَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ؛ در دادگاه به نفع یا علیه آنها شهادت می‌دهند»؛ «وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ؛ و امانت را به آنها بر می‌گردانند».

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶.

مایه زینت اهل بیت علیهم السلام باشیم

تغییر نگرش یا تقویت نگرش اهل سنت به اهل بیت علیهم السلام باید به گونه‌ای باشد که روزه‌روز بر محبت اهل بیت علیهم السلام در دل‌های اهل سنت بیفزاید؛ بنابراین نباید به گونه‌ای باشیم که مخاطب را از حق و حقیقت دور یا موجب دل‌چرکین کردن آنان در برابر اهل بیت علیهم السلام شود؛ به همین دلیل اهل بیت علیهم السلام در احادیث متعددی فرموده‌اند با رفتار خود مایه زینت آنان باشیم و کار ما نباید طوری باشد که مایه زشتی آنان گردد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَا بِهِ، فَإِنَّ وَلَدَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ؛ كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْهُمُ إِلَيْهِ زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا؛ صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَاعْبُدُوا مَرَضَاهُمْ وَأَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَلَا تَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَانْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ وَاللَّهُ مَا عِبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ قُلْتُ وَمَا الْخَبَاءُ قَالَ التَّقِيَّةُ...^۱ از انجام دادن عملی که ما را به سبب آن سرزنش کنند، برحذر باشید؛ چون پدر به سبب عمل فرزند بدش سرزنش می‌شود. برای کسانی که به سوی آنها منقطع شده‌اید [ائمه اطهار] زینت باشید و مایه زشتی برای ما نباشید. در قبایل آنها [مخالفین] نماز بخوانید و مریضان آنها را عیادت کنید و در تشییع جنازه آنها حاضر شوید و مبادا بر شما در کار خیری سبقت بگیرند. شما به کار خیر از آنها سزاوارتر هستید.

مایه شادی اهل بیت علیهم السلام باشیم

رفتار ما شیعیان باید به گونه‌ای باشد که موجبات شادی اهل بیت علیهم السلام را فراهم کنیم؛ نه اینکه با نوع رفتار و کردارمان سبب کراهت و دلگیری اهل بیت علیهم السلام شویم. در این باره اهل بیت علیهم السلام روایاتی را صادر کرده‌اند که باید به خوبی این روایات را تبیین کنیم و به آنها عمل نماییم. زید شحام گوید حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: «به هر کس از مردم که بینی پیروی از من کنند و به گفتار من عمل کنند، سلام مرا برسان. و من به شما سفارش می‌کنم که در برابر خدای عزوجل تقوا داشته باشید و در دین خود پارسا باشید و در راه خدا کوشش کنید و به راست‌گویی و به ادای امانت و طول دادن سجده و نیکی با همسایه شما را سفارش می‌کنم؛ زیرا محمد صلی الله علیه و آله

۱. همان، ص ۲۱۹.

همین دستورات را آورده است. هر که به شما امانت سپرد، به او پس بدهید، نیک رفتار باشد یا بدکردار؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می داد که سوزن و نخ را نیز به صاحبش پس دهید و با فامیل خود پیوند داشته باشید و به جنازه مرده هایشان حاضر شوید و بیمارانشان را عیادت کنید و حقوقشان را بپردازید؛ زیرا هر کس از شما که در دینش پارسا و راستگو باشد و امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد، گویند این جعفری است و این مرا شاد کند»^۱. همچنین امام حسن عسکری علیه السلام ضمن بیان انتظارات خود از پیروانشان در مواجهه با اهل سنت، اشاره می کند که چه نوع رفتاری موجب شادی دل ایشان می شود و می فرماید:

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ اسْتَمَنَّكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَطُولِ السُّجُودِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ فِيهِذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شِيعِي فَيَسْرُنِي ذَلِكَ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شِينًا جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَإِدْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَقَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَتَطْهِيرٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرَنَا إِلَّا كَذَابٌ أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَذَكَرَ الْمَوْتِ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ ص فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ إِحْفَظُوا مَا وَصَّيْتُكُمْ بِهِ وَاسْتَوْدِعْكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ؛^۲ شما را سفارش می کنم به رعایت تقوی الهی، پیشه کردن پارسایی در دین خود، کوشش بسیار برای خدا، راست گویی، امانت پردازی به کسی که چیزی به شما سپرده خواه نیکوکار باشد و خواه بدکار، انجام سجده های طولانی و خوش همسایگی که محمد صلی الله علیه و آله بدین روش آمده است. باز هم سفارش می کنم به اینکه میان آنها [مذاهب اسلامی] نماز گزارید، در تشییع جنازه هایشان حضور یابید، از بیمارانشان عیادت نمایید و حقوقشان را بپردازید؛ زیرا هریک از شما که در دینش پارسا و در گفتارش راستگو باشد و امانت مردم را بپردازد و با آنان خوش اخلاقی نماید، در این صورت گویند این یک شیعه است و من از شنیدن آن جمله شادمان می شوم».

۱. همان، ص ۶۳۶.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۲، ص ۴۸۷.

سپس در ادامه می‌فرماید: «جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ؛^۱ یعنی دوستی مذاهب اهل سنت و مردم را به سوی ما بکشانید؛ به بیان دیگر هر چه می‌توانید محبت ما را در دل‌های اهل سنت جاری کنید.

شرکت در نماز جماعت اهل سنت

زید شحام از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که به او فرمود:

يَا زَيْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ
 إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَّةَ وَ الْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ
 الْجَعْفَرِيُّ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ وَ إِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ
 الْجَعْفَرِيُّ فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ؛^۲ ای زید، با مردم [یا با اهل
 سنت] با طریقه و آداب آنان معاشرت کنید، در مساجد آنان نماز بخوانید و از
 بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه‌هایشان حاضر شوید و اگر توانستید که پیش‌نماز
 آنان باشید و اذان‌گوی ایشان شوید، پس حتماً این کار را بکنید یا کوتاهی نورزید؛ زیرا
 وقتی شما چنین رفتار می‌کنید، آنان می‌گویند اینان از شیعیان جعفری مذهب‌اند،
 رحمت خداوند بر جعفر بن محمد باد که چه نیکو اصحاب خود را مؤدب می‌کند و
 چون این رفتارهای شایسته را ترک می‌گویید، با خود می‌گویند اینان شیعیان
 جعفری‌اند، خداوند او را جزا دهد و چنین و چنان کند که اصحاب خود را چه بد
 پرورش داده است.

همچنین امام صادق عليه السلام در حدیث دیگری فرمودند: «کسی که با اهل سنت در صف اول نماز
 بخواند، مثل کسی است که پشت سر رسول خدا صلى الله عليه وآله در صف اول نماز خوانده باشد». ^۳ امام
 خمینی رحمته الله این روایات را در مقام تقریب و دلالت روایت را بر «تقیه مداراتی» می‌داند و
 می‌فرماید: «نماز با رسول خدا صحیح و دارای فضیلت فراوان است؛ پس نماز با اهل سنت، در

۱. همان.

۲. «وَرَوَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَيْدُ الشَّحَامِ أَنَّهُ قَالَ» (محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۹۹۰۴۳).

۳. «من صَلَّى معهم فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۸۰).

حال تقیه، صحیح و دارای ثواب زیاد است»^۱.

نکته مهم: تشویق بر نماز خواندن پشت سر اهل سنت توسط ائمه اطهار علیهم السلام، دلیل بر حقانیت و تأیید شخص یا فکر امام جماعت نیست، بلکه به دلیل اهمیت مسئله وحدت و نظام اسلامی است.

نهی از سب و توهین و فحش و اظهار لعن

ائمه معصومی علیهم السلام در روایات زیادی شیعیان و پیروان شان را منزه از بدزبانی و فحش می دانند و آنها را از سب و فحش منع می کنند. امام علی علیه السلام فرمود: «الْفَحْشُ وَالتَّفَحُّشُ لَيْسَا مِنَ الْإِسْلَامِ»^۲ فحش دادن و ناسزاگویی به یکدیگر از [فرهنگ] اسلام نیست».

امام سجّاد علیه السلام به نقل از مولا علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده اند: «ولا تتكلّموا بالفحش فإنّه لا يليق بنا ولا بشيعتنا، وإنّ الفاحش لا يكون صديقاً»^۳؛ به ناسزا سخن نگویید؛ چون سزاوار شأن و مقام ما و شیعیان ما نیست؛ همان فحش دهنده راست گو نیست».

شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات که به تأیید شیخ مفید نیز رسیده است و علامه مجلسی هم از عیاشی نقل می کند: امام صادق علیه السلام زمانی که می شنود یکی از یاران آن حضرت در مسجد با صدای بلند از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بدگویی می کند، فرمود: «ما له لعنه الله! تعرّض بنا، قال الله سبحانه وتعالى: "وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ"؛ چه شده است او را، خدا لعنتش کند؛ چرا زبان دشمنان ما را علیه ما باز می کند؟ مگر سخن وحی را در کتاب حق قرآن مجید نشنیده است که خداوند می فرماید: "به افرادی که غیر از خدا را می خوانند، ناسزا نگویید».

زیرا آنها هم در مقابل بدون علم و آگاهی به خدا ناسزا خواهند گفت.

بنابراین وظیفه شیعه اهل بیت این است که نه تنها فحش و ناسزا ندهد، بلکه همان گونه که ائمه فرمودند با آنها گفتار نیکو داشته باشند؛ حتی سیره اهل بیت علیهم السلام بر این بود که در مواجهه با

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، الرسائل العشرة (للإمام الخميني)، ص ۶۴.

۲. عبدالواحد محمد تمیمی آمدی، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۹۰.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۸۲، ح ۱۳۵۷۵؛ قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۵۲.

۴. «وقيل للصادق علیه السلام: يابن رسول الله، انا نرى في المسجد رجلا يعلن بسب أعدائكم ويسميهم. فقال: ما له - لعنه الله - يعرض بنا» محمد بن علی ابن بابویه، الاعتقادات الامامیه، ج ۱ ص ۱۰۷، ح ۳۸۵۱۹۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۱۷.

مخالفین فحاشی و سب نمی‌کردند، بلکه با آنها با اخلاق حسنه برخورد می‌کردند؛ چنانچه علامه مجلسی درباره حلم و بردباری امام حسن علیه السلام این روایت را نقل می‌کند: «فردی از اهل شام وارد مدینه شد، امام مجتبی علیه السلام را دید که بر مرکبی سوار است [چون تحت تأثیر تلقینات بنی‌امیه قرار گرفته بود]؛ شروع به ناسزا و لعن‌گفتن و اسائه ادب کرد. امام حسن علیه السلام چیزی فرمودند: یا شیخ گمان می‌کنم غریب هستی، شاید امر بر تو مشتبه شده است؛ اگر بخواهی گذشت کنیم از تو، گذشت می‌کنیم؛ اگر از ما چیزی بخواهی، به تو می‌دهیم؛ اگر راهنمایی بخواهی، راهنمایی‌ات می‌کنیم؛ اگر از ما مرکبی بخواهی، برای تو مرکب می‌دهیم؛ اگر گرسنه باشی، سیرت می‌گردانیم؛ اگر عریان باشی، لباست می‌دهیم؛ اگر محتاج باشی، بی‌نیازت می‌کنیم؛ و اگر حاجتی داشته باشی، آن را برآورده می‌کنیم و تا در مدینه هستی، اگر در خانه ما میهمان باشی، برای تو بهتر خواهد بود؛ چون منزل ما وسیع و امکانات ما بسیار و موقعیت ما گسترده است. مرد شامی از شنیدن این سخنان به گریه افتاد؛ سپس گفت: گواهی می‌دهم که تو خلیفه خدا در روی زمین هستی، خدا داناتر است که رسالت خود را در کجا قرار بدهد. تو و پدرت مبعوض‌ترین خلق در نزد من بودید؛ ولی الآن محبوب‌ترین خلق خدا در نزد من هستید. سپس آن مرد وسایل خویش را به خانه آن حضرت آورد و تا در مدینه بود، میهمان آن حضرت بود و بر محبت اهل بیت علیهم السلام معتقد شد».^۱

همچنین ابونصر هبة الله بن محمد می‌گوید ابوالحسن بن کبریاء نوبختی برای من نقل کرد که به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح خبر رسید یکی از دربان‌های شما معاویه را لعن می‌کند و به وی ناسزا می‌گوید. حسین بن روح هم دستور داد او را رانند و از خدمت معزول کردند؛ دربان مدتی طولانی بی‌کار بود و التماس می‌کرد او را به کار سابق برگردانند؛ ولی به خدا قسم حسین بن روح او را دیگر به سر خدمت خود نیاورد.^۲ بدان دلیل که حسین بن روح در محیط بغداد دنبال عدم حساسیت حکومت در برابر شیعیان بود و این کار دربان موجب اختلاف شدید در جامعه آن وقت می‌شد.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۴۴.

۲. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبة للمحجة، ص ۳۸۵ - ۳۸۶.

برخی از سخنان رهبر معظم انقلاب در اهمیت وحدت اسلامی

در پایان دو نمونه از بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در اهمیت وحدت اسلامی را می آوریم تا مشخص شود این رهبر حکیم الهی آنچه از سیره معصومین علیهم السلام را دریافت نموده است، چگونه راهکاری برای جامعه بزرگ اسلامی بیان کرده‌اند:

۱. «وحدت بر همه ضرورت‌ها و اولویت‌ها ترجیح دارد و از آنها اولی‌تر و مقدم‌تر است. چرا ضرورت اتحاد بین مسلمانان را نمی فهمیم؟! بار سنگینی بر دوش ماست و این برهه، برهه حساسی است. امروز ما مسئول هستیم؛ امروز دولت‌ها، نخبگان، زبندگان، رجال فرهنگی و دینی مسئول‌اند؛ همه ما در مقابل وحدت دنیای اسلام مسئولیم»^۱.
۲. «ما همیشه به علمای فریقین گفته ایم شما که می‌دانید وحدت و اتحاد حق است؛ بنابراین باید این نکته را به مردم خودتان و به عوام تفهیم کنید. البته مخلصان قبول کردند و به همان اندازه هم تأثیر گذاشته‌اند»^۲.

نتیجه

همان‌گونه که از سیره و گفتار اهل بیت علیهم السلام مشخص می‌شود، این بزرگواران همواره سعی در ارتباط با سایر مذاهب اسلامی داشتند و شیعیان را به ارتباط مناسب با اهل سنت ترغیب نموده‌اند و آنها را از بدگویی و اختلاف برحذر داشته‌اند؛ همچنان‌که امام علی علیه السلام در نهج البلاغه ریشه اختلافات را امر مذهبی نمی‌داند و می‌فرماید: «همه شما بر دین خدا برادر می‌باشید و خباثت‌های باطنی و بدطینتی، شما را از همدیگر جدا می‌کند»^۳.

فهرست منابع

۱. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، قم: اندیشه مولانا، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
۲. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا والاحکام، مصر: دارالمعارف، ۱۳۸۹ ق.
۳. سیدجلال‌الدین محدث، عبدالواحد محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، شرح:

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3230>

2. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2195&nt=2&year=1368&tid=14195>

۳. «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَ سَوَاءُ الصَّمَائِرِ» (الشریف الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲).

- جمال‌الدین محمد خوانساری، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۴ش.
۴. شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین، نهج‌البلاغه، قم: الهادی، چاپ سی و دوم، ۱۳۸۷ش.
۵. شیخ‌صدوق، الخصال، تهران: علمیه اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۶۳ش.
۶. عیون‌أخبار‌الرضا علیه‌السلام، قم: موسسه آل‌البيت علیهم‌السلام لاحیاء‌التراث، ۱۳۷۸ش.
۷. من لا یحضره‌الفقیه، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۰ق.
۸. شیخ‌طوسی، کتاب‌الغیبة‌للحجة، قم: دار‌المعارف‌الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۹. شیخ‌کلینی، الکافی، بیروت: دار‌التعارف‌للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۱۰. شیخ‌مفید، الاعتقادات‌الامامیه‌للشیخ‌الصدوق، قم: مکتب‌الاعلام‌الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۱. علامه‌مجلسی، بحار‌الانوار: الجامعة‌لدرر‌أخبار‌الائمة‌الأطهار، بیروت: دار‌احیاء‌التراث‌العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. مرتضی‌العاملی، سید‌جعفر، مأساة‌الزهراء علیها‌السلام، بیروت: دار‌السیرة، ۱۴۱۸ق.
۱۳. منقری، نصر‌بن‌مزاحم، وقعة‌صفین؛ قم: مکتبه‌آیه‌العظمی‌المرعشی‌النجفی، ۱۴۱۸ق.
۱۴. نوری، حسین‌بن‌محمدتقی، مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، قم: موسسه آل‌البيت‌علیهم‌السلام لاحیاء‌التراث، چاپ دوم، ۱۳۶۸ش.
۱۵. پایگاه‌اطلاع‌رسانی‌دفتر‌حفظ‌و‌نشر‌آثار‌حضرت‌العظمی‌خامنه‌ای KHAMENEI.IR